

مقاله علمی

باورها و آیین‌های اجتماعی وابسته به قنات در شهرستان

سراوان، بلوچستان^۱

حمیده چلوارفروش^۲، مهدی مرتضوی^۳، فریبا موسی پورنگاری^۴

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳)

چکیده

قنات، منبع اصلی تأمین آب سراوان به هویتی ملی تبدیل شده و از ارزش‌های مهم در زندگی مردم منطقه است که رابطه اجتماعی و فرهنگی با آن گسترش یافته است. بررسی‌ها نشان داده است که پیوندی تنگاتنگ بین قنات و جامعه وجود دارد و آیین‌ها و باورهای ویژه‌ای ساخته شده که بخش مهمی از فرهنگ مردم منطقه شده است. برای نمونه در سراوان برخی باور دارند که ساخت قنات کار جن‌هاست و مردم از ساخت آن ناتوان هستند. این باور بین بومیان نیرو گرفته است و ستوده می‌شود، به گونه‌ای که حتی مقنی‌ها نیز فکر می‌کنند ساخت قنات‌های اولیه کار جن‌ها بوده و سپس مردم از آن‌ها آموخته‌اند. در این پژوهش سعی شده است به بررسی تأثیر قنات بر جنبه‌های گوناگون ساختار اجتماعی-فرهنگی سراوان و باورها و آیین‌های به وجود آمده از آن پرداخته شود. پژوهش از نظر ماهیت و روش، از نوع توصیفی-تاریخی با روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و میدانی (گفتگو با مقنی‌ها و سالخوردگان بومی) است. نتایج اعم از باورها و آیین‌ها گویای این است که هستی اجتماعی مردم سراوان وابسته به هستی قنات است که خود جایگاه مهمی در جامعه و مردم‌شناسی تاریخی سراوان دارد. بر پایه گفتگوها مشخص شد که باورها و آیین‌ها در هیچ نوشتاری ثبت نشده، بلکه به صورت شفاهی به نسل‌های بعد منتقل شده است. همچنین با مطالعات کتابخانه‌ای معلوم شد برخی باورهای مردم سراوان درباره قنات، همانند باورهای مردم نواحی دیگر ایران به ویژه استان یزد است.

کلیدواژه‌ها: سراوان، قنات، جامعه، باورها، آیین‌ها

۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان «قوم باستان‌شناسی قنات: شناسایی و درک فناوری‌های بومی سیستم‌های آبی باستان، شهرستان سراوان» است.

۲ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
leyla.chelvarforush@gmail.com

۳ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)
mehdi.mortazavi@lihu.usb.ac.ir

۴ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
fmosapour@lihu.usb.ac.ir

مقدمه

سراوان با مساحتی حدود ۱۶۰۹۶ کیلومتر مربع یکی از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان است که در جنوب استان و در شرقی‌ترین نقطه کشور قرار دارد و به همین دلیل به آن زادگاه خورشید نیز می‌گویند. نام کهن آن شستون بوده که به آن سر/شتون و شهستان هم می‌گفتند و در سال ۱۳۲۶ به سراوان تغییر نام یافت. اقلیم آن گرم و خشک حاره‌ای است و از نگاه آب زمین‌شناسی (هیدروژئولوژی) یکی از زیرحوزه‌های حوزه آبریز ماشکید (ماشکیل) است. منابع آبی آن، سطحی و زیرزمینی هستند. آب‌های سطحی از طریق بارندگی یا رسیدن آب‌های زیرزمینی به سطح شکل می‌گیرند. این آب‌ها فصلی و زودگذرند و شمار کمی از آن‌ها دائمی می‌مانند. گرمای زیاد درصد زیادی از آب را بخار می‌کند و اندکی نیز دوباره به درون زمین نفوذ می‌کند. سراوان دارای گسل‌ها و چین‌خوردگی‌های فراوانی است که از نگاه زمین‌شناسی مکان مناسبی برای ساخت سفره‌های زیرزمینی است. «سراوان به دلیل داشتن گسل‌ها و چین‌خوردگی‌های ناشی از آن، مکان مناسبی برای نفوذپذیری آب و تشکیل سفره‌های زیرزمینی است. سفره سراوان از غنی‌ترین منابع آب زیرزمینی منطقه است و بیشترین درصد چاه‌ها و قنات‌ها در این گستره قرار دارد» (شرکت مهندسی مشاور ری آب، ۱۳۸۸). بنابراین پایدارترین روش بهره‌برداری آب زیرزمینی و سازگارترین آن با عوامل زیست محیطی و اجتماعی در سراوان، قنات است. قنات در سراوان پیشرفت‌های کشاورزی را به دنبال داشته و با رشد کشاورزی، اجتماع گسترده‌تر شده و با این گسترش، باورها و آیین‌های خاصی شکل گرفته‌اند. «در بلوچستان نیز قنات عامل اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی به‌شمار می‌آید و کشاورزی وابستگی شدیدی به آن دارد» (بریمانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸). در این سیستم سنتی دستیابی به آب نقش زیادی در تقویت رفتارهای اجتماعی مردم منطقه داشته و به خروجی‌های وابسته به قنات (باورها و آیین‌ها) کمک شایانی کرده است. قنات در سراوان بیش از آنکه یک منبع آب باشد، یک فرهنگ غنی و بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی مردم است. «قنات و استفاده از آن در کشور ایران با فرهنگ مردم عجین شده است و مردم این کشور نظارت بر قنات‌ها را دارای اهمیت یافته‌اند» (آبادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۴۲). انجام کارهای وابسته به قنات مانند تقسیم آب و لایروبی به‌شکل دسته‌جمعی که بخشی از باورها، آیین‌ها و فرهنگ‌های مربوط به

قنات هستند، به رشد مشارکت در منطقه افزوده است. «قنات تنها سرمایه‌ای طبیعی به‌شمار نمی‌رود، بلکه با پرداختن به کارهای قنات در روستا، فضای مشارکت در میان روستاییان تقویت می‌شود» (فداکار داورانی و سام‌آرام، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

آب و هوای گرم و خشک و شرایط سخت زندگی، مردم سراوان را به سوی نیروهای ماورای طبیعی رهنمون کرده است تا از بلاها و سختی‌ها دور باشند. چنین دیدگاهی در باورهایشان درباره قنات نیز تأثیر گذاشته است، به طوری که ساخت قنات را به‌دلیل فن پیچیده و مهندسی آن، کار جن‌ها می‌دانند. نمونه برخی از باورهای آن‌ها در مناطق دیگر مانند خراسان جنوبی، کرمان و به‌ویژه یزد دیده می‌شود. افزون بر باورها، آیین‌های ویژه‌ای درباره قنات در این منطقه وجود دارد که خاص منطقه است. در این تحقیق سعی شده است از راه گفتگو با مقنی‌های بومی و مردمی که اطلاعاتی درباره گذشته این باورها و آیین‌ها دارند، آنچه آن‌ها از نسل‌های گذشته با خود به همراه دارند، از نگاه جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. امروزه خشکسالی‌های پیاپی و استفاده بیش از اندازه از چاه‌های ژرف، شمار زیادی از قنات‌های منطقه را کم‌آب یا خشک کرده است. از بین رفتن قنات‌ها نه تنها از بین رفتن یک روش بهره‌برداری سودمند و سازگار با محیط است، بلکه باعث نابودی فرهنگ، باورها و آیین‌های خاص این منطقه می‌شود که ریشه تاریخی دارند. حفظ ویژگی‌های فرهنگی کاربردی و سودمند منطقه، راه دستیابی به زنده نگه داشتن فرهنگ و باورهای بومی و هویتی پایدار است. در راستای حل این مشکل، پیشنهادهایی در بخش نتیجه‌گیری بیان خواهد شد.

پیشینه پژوهش

با اینکه پیشینه برخی قنات‌های منطقه به دوره‌های کهن‌تر باز می‌گردد و شاید با برخی قنات‌های نواحی همجوار چون کرمان هم‌دوره باشند، اما پژوهش قابل توجهی درباره قنات‌های این منطقه انجام نشده است. به‌نظر می‌رسد اولین گزارش ثبت‌شده در این باره گزارش سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۶۰ است که گزارشی کلی در مورد قنات‌های سیستان و بلوچستان بوده و برای ارائه در اولین سمینار قنات ایران-مشهد تهیه شده است. در سال ۱۳۷۷ جهاد کشاورزی استان سیستان و بلوچستان اقدام به انجام مطالعاتی درباره قنات‌های استان با عنوان

«مطالعات و شناسایی قنات استان سیستان و بلوچستان» کرد که نتیجه آن دو جلد کتاب با عنوان‌های قنات‌های خاش و قنات‌های سراوان است. به تازگی سازمان میراث فرهنگی زاهدان مطالعه دیگری انجام داده که هدف از آن به ثبت رساندن برخی از قنات‌های استان بوده است. با این حال همه این پژوهش‌ها با هدف ثبت یا تهیه شناسنامه قنات‌های استان بوده و هیچ یک از آن‌ها به جامعه و انسان‌شناسی قنات و رابطه آن با فرهنگ مردم نپرداخته است.

تعریف‌ها و جامعه مورد مطالعه

در سرزمین گرم و خشک سراوان که بارش باران در آن ناچیز است و دستیابی به آب سطحی به شکل فصلی و گذراست، چشم امید مردم به زمین دوخته شده و به گفته نسیم خلیلی «زمین در کویر از آسمان بخشنده‌تر است و انسان‌ها این مایه زندگی را نه از آسمان و ابرهایش که در ژرفای زمین می‌جویند». شرایط مساعد زمین منطقه، سفره‌های آبی مناسبی برای بهره‌برداری ایجاد کرده به گونه‌ای که سفره آب زیرزمینی پایدارترین منبع تأمین آب این شهرستان است. از آنجا که شهرستان سراوان دشتی است که با گوه‌ها احاطه شده، مردمان سخت‌کوش سراوان آب را از زیر زمین در دره کوه‌های آبدار با کندن چاه و تونل‌های زیرزمینی به سطح دشت می‌رساندند و از آن بهره‌برداری می‌کردند. از قنات اکنون نیز در شهرستان سراوان بهره‌برداری می‌شود، اما کاربرد آن در گذشته بسیار متنوع‌تر از امروز بوده است. ساخت قنات، نگهداری و بهره‌وری از آن به دلیل هزینه‌های بالا و سختی کار به تنهایی میسر نیست، بنابراین گروهی را گرد می‌آوردند که با همیاری یکدیگر آب زیرزمینی را به بهره‌برداری رسانند. مردمی که زحمت کندن و ساخت آن را کشیده‌اند، پس از بیرون آمدن آب از خروجی، هر یک از سهم خویش زمینی را در آن محل آباد و اجتماعی با فرهنگی مشترک بر پا کرده‌اند، اجتماعی که باورهایشان با زندگی آمیخته است.

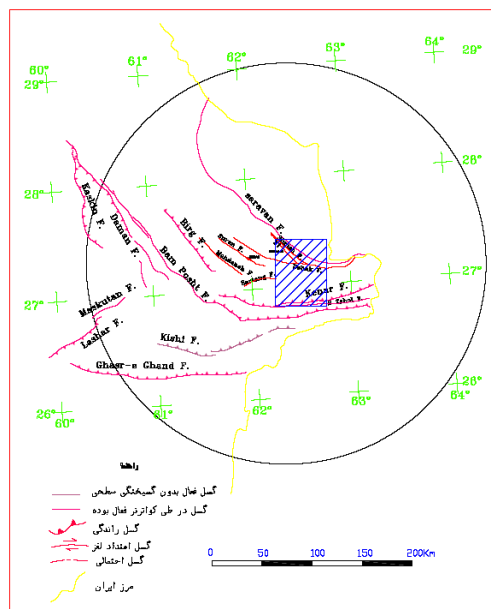
زمین‌شناسی منطقه از منظر قنات

شهرستان سراوان یکی از زیرحوزه‌های حوزه آبریز ماشکید است که در امتداد گسل سراوان گسترش یافته است. مساحت این حوزه حدود ۲۴۹۲ کیلومتر است و از غرب شهرگشت با رود پسپیل آغاز و با گذشتن از رودهای سیمیش، مات‌کور و روتک به رودخانه ماشکید می‌ریزد و

به سوی پاکستان می‌رود «عرض حوضه آبریز ۱۸/۵ کیلومتر در شرق گشت تا ۲۴/۵ کیلومتر در غرب گشت متغیر و دارای مساحت ۲۴۹۲ کیلومتر است. طول حوضه از شمال غرب گشت تا شرق سراوان به طول ۱۱۴ کیلومتر امتداد دارد... زهکشی اصلی در طول حوضه از حاشیه جنوبی دشت، از شمال غرب به جنوب شرق به سمت سراوان ادامه دارد» (جهانتیغ، ۱۳۹۶: ۱۵۶). هدایت و گسترش حوضه آبریز سراوان به‌طور مستقیم متأثر از گسل سراوان و دیگر گسل‌های منطقه است و روند شکستگی‌ها و چین‌خوردگی‌های آن نقش مهمی در زهکشی آبراهه‌های این منطقه دارد. «با توجه به اینکه منطقه سراوان در بخشی از گستره فلیش‌های جنوب شرق ایران واقع شده است و از نظر تکتونیکی یک محیط فعال در نظر گرفته می‌شود، بنابراین نقش چین‌خوردگی‌ها و توسعه شکستگی‌ها و گسل‌ها در تکوین و هدایت شبکه زهکشی قابل توجه است» (مریدی فریمانی و دهقانی، ۱۳۹۳: ۲۱). حوضه آبریز سراوان کشیده و کم‌پهنا است و آبرفت‌های آن از مرز گسل سراوان به سوی جنوب گسترش یافته است. ته‌نشست‌های آبرفت در مرز گسل به شکل دانه درشت و در جنوب به شکل دانه ریز هستند و شیب آن از حاشیه گسل به سوی جنوب کاهش می‌یابد. سازندهای آبدار در دشت سراوان، مناطق کوهپایه‌ای و دره‌های کوچک، میان کوه‌ها گسترده شده و گستردگی و پهنای این ته‌نشست‌های آبرفتی در دشت‌های کوچک میان کوه‌ها کمتر است و بر این پایه ذخیره آب زیرزمینی در آن کمتر از دشت سراوان است.

آب زمین‌شناسی سفره افزون بر بررسی کمیت سفره زیرزمینی به بررسی کیفیت آب از راه شناسایی ترکیب‌های موجود در آن نیز می‌پردازد. ترکیب‌های آلی طبیعی از راه چرخه‌های مختلف بیولوژیکی، زمین‌شناختی و هیدرولوژیکی در اکوسیستم‌های آبی تولید و جابه‌جا می‌شوند. عواملی چون متغیرهای محیطی و کنش‌های انسانی از زمان ریزش‌های جوی تا خروج آب از زمین به شکل چاه یا قنات، بر کیفیت و کمیت آب زیرزمینی اثرگذار هستند. افزون بر این جنس ساختاری زمینی که آب از آن می‌گذرد، از عوامل اثرگذار بر کیفیت و ویژگی‌های شیمیایی آب است. ترکیب‌های کانی زمین، مایه شوری و گاه تلخی و مناسب نبودن آب می‌شوند. آبرفت دشت سراوان از کنگلومراهای کمی سخت و سیمانی ساخته شده و جنس قله‌های این کنگلومراها ماسه‌سنگ و شیل است. سیمان بین دانه‌ها که از جنس ذره‌های ریز شیل و ماسه و

ته‌نشست‌های رسی و مارنی است، نزدیک به ۲۰ تا ۶۰ درصد اندازه سنگ را می‌سازد. آنیون‌ها و کاتیون‌های درون این ذره‌ها مانند $\text{Na}^+, \text{K}^+, \text{Ca}^{2+}, \text{Cl}^-, \text{HCO}_3^-$ و ... مایه شوری آب می‌شوند. در پی روانی آب، جابه‌جایی یونی بین آب و نمک‌های کانی زمین رخ می‌دهد و هدایت الکتریکی یا EC آب را بالا می‌برد. در محل‌های تغذیه مقدار EC در پایین‌ترین اندازه خود است و در پی روانی، بر شدت آن افزوده می‌شود. در دشت سراوان نیز در محل تغذیه کوه سیاهان، EC آب پایین است و در سمت مرکز دشت مقدار آن به شدت افزایش می‌یابد (شرکت مهندسی مشاور ری آب، ۱۳۸۸).



تصویر (۱): وضعیت گسل‌های سراوان (شرکت ری آب)

شیب منطقه از شمال به جنوب است و از حاشیه گسل به سوی جنوب کاهش می‌یابد. «تراز آب زیرزمینی در شمال دشت بیشتر از ۱۲۷۰ متر و در جنوب دشت ۱۱۴۰ متر است و شیب هیدرولیکی آبخوان در شمال دشت بین ۰/۰۰۶ تا ۰/۰۰۷ و در شرق دشت حدود ۰/۰۰۲ است. تراز توانایی انتقال آب زیرزمینی در شمال دشت بیش از ۱۰۰۰۰ متر مربع بر روز و در جنوب

دشت به کمتر از ۱۵۰ متر مربع بر روز می‌رسد. میانگین ذخیره آب دشت بین ۱ تا ۱/۵ است» (شرکت آب منطقه‌ای استان، سیستان و بلوچستان ۱۳۹۸). همان طور که بهره‌برداری از مزایای گسل‌ها و سفره‌های آبی ممکن است در شکل‌گیری جامعه سراوان نقش مهمی داشته باشد، غفلت از آن نیز می‌تواند در جامعه‌شناسی و نابودی فرهنگ‌ها و آیین‌های گذشته آن مؤثر باشد.

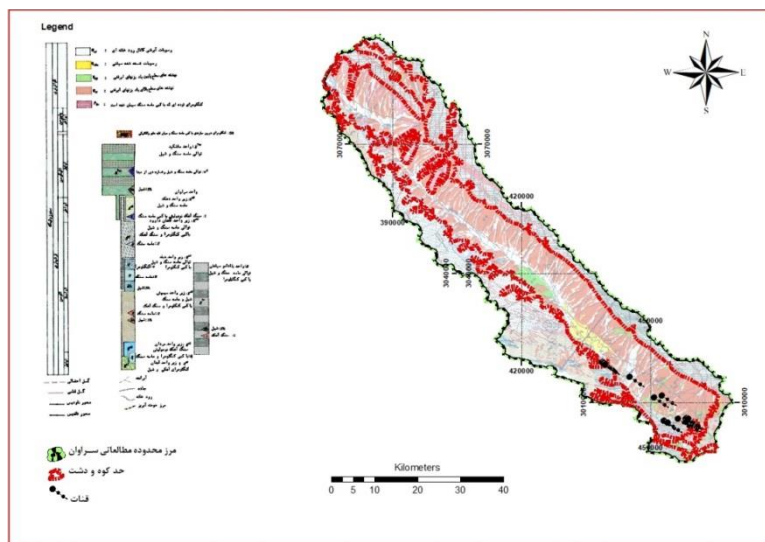
قنات و تاریخچه آن در سراوان

گسل‌ها و چین‌خوردگی حاصل از آن باعث تخلخل و نفوذپذیری بیشتر زمین برای جذب و نگهداری آب می‌شوند و محیط مناسبی برای گذر آب‌های زیرزمینی هستند. به‌طور طبیعی آب‌های زیرزمینی در چنین مناطقی به‌شکل چشمه‌هایی از زمین بیرون زده و سپس به قنات تبدیل شده‌اند. قنات راه‌آب یا کانالی است که برای بهره‌برداری از سفره آب‌های زیرزمینی، از محل پرآب سفره به‌صورت تونل زیرزمینی حفر می‌شود تا آب را در مکان‌های کم‌آب به سطح زمین برساند. برای شناسایی آب زیرزمینی، در هر منطقه نشانه‌هایی است که به مقنی‌ها کمک می‌کند و مقنی‌های هر منطقه به این نشانه‌ها آگاهی کامل دارند. «گیاهی نی‌مانند به‌نام پیژک یا کیک اگر در یک منطقه در زمان‌های خشکسالی دیده شود، نشان از آب زیرزمینی در آن نقطه دارد. از روی رنگ کوه‌ها نیز می‌توان به شناسایی آب پرداخت؛ کوهی که رنگش سپیدتر است، آب دارد، اما کوه سیاه آب ندارد. برخی کوه‌ها ریشه دارند و این ریشه آب را در خود نگه می‌دارد و برخی دیگر از کوه‌ها بدون ریشه هستند و به همین دلیل هیچ آبی در پای آن‌ها جمع نمی‌شود» (گفتگوی شخصی، حسن‌زهی سیاهانی، ۱۳۹۹). خان‌محمد ملک‌زاده -سرپرست قنات در جالق- در این‌باره می‌گوید: «گاه در جایی از سطح زمین آب بالا می‌زند و پرندگان پیوسته در بالای آن پرواز می‌کنند که این نشان از آب زیرزمینی در آن محل است». مقنی‌ها پس از شناسایی آب در محلی بر پایه تجربه و حدس، گمانه‌ای می‌زنند تا پندار خویش را بسنجند، اگر گمان آن‌ها درست بود به ساخت قنات می‌پردازند.



تصویر (۲): مرادبخش حسن‌زهی - نمونه سنگ سپید، کوه آب‌دار (نگارندگان)

با توجه به اینکه درباره قنات‌های سراوان پژوهش فراگیری انجام نشده، گذشته ساخت آن به درستی معلوم نیست. بیشتر معنی‌های بومی بر این باورند که قنات‌ها از دوره اسلامی هستند، اما در سفری که مگاستنس، سقیر اسکندر به هند داشته، در گذر از بلوچستان قنات‌هایی را می‌بیند و در سفرنامه خود از آنها سخن می‌گوید «از تاریخ حفر اولین قنات‌ها در ایران اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی مگاستنس در سال ۳۰۰ قبل از میلاد در سفری به ایران وجود قنات‌هایی را در بلوچستان گزارش کرده است» (مؤمنی، ۱۳۷۸: ۴۶). بر اساس پژوهش‌های باستان‌شناسی مهدی مرتضوی در محوطه‌های محدوده روباهک-دیزک، که در آن نمونه سفال‌های خاکستری هزاره سوم پ.م. دیده شده، احتمال دارد که تاریخچه قنات در سراوان به دوره‌های پیشتر چون عصر مفرغ برسد «در طی بررسی میدانی شواهد جالب توجهی از قنات‌ها هم در محدوده مورد نظر شناسایی شدند» (مرتضوی، ۱۳۹۷). کهن‌ترین قنات‌های سراوان را می‌توان در گُشت - روستایی کهن در سراوان - جستجو کرد. گفته می‌شود گُشت از قدیم به دلیل داشتن قنات، محلی سبز و آباد بوده و قبرستان کهن آن که به گفته باستان‌شناسان از دوران اشکانی و ساسانی است، این ادعا را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند. مردم سالخورده و مقنیان، کهن‌ترین قنات‌ها را دیزک، دَهک، بَخشان، سَرجو، شَسْتون، جالِق و اِسْفَنَدک می‌دانند.



تصویر (۳): وضعیت قنات‌های سراوان (شرکت آب منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۸)

قنات‌های سراوان از نظر ساختمان، بیشتر مانند قنات‌های یزد هستند و روش تقسیم آب آنها نیز همانند است، ولی برای نام‌گذاری آنها در هر شهر از واژه‌های محلی آن شهر استفاده می‌شود. در سراوان از *تاس* و *کپیل* برای تقسیم آب استفاده می‌شد و در یزد از *سَبو* یا *تَشته*. «تشته ظرفی بوده به شکل نیم‌کره و معمولاً از جنس مس یا برنز که در کف آن سوراخ کوچکی ایجاد می‌شده است. برای سنجش زمان به‌وسیله تشته، ظرف بزرگی تری را که معمولاً ۱۰ تا ۲۰ لیتر گنجایش داشته از آب پر می‌کردند و تشته را روی سطح آب می‌گذاشتند» (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۸۵). *تاس* در سراوان همان تشته است و *کپیل* همان ظرف بزرگ‌تر که تشنه در آن جای می‌گیرد. *شیخ‌زاده* - عضو شورای قنات سراوان - می‌گوید در زمان قاجار که یزدی‌ها به خاش آمدند و قنات می‌ساختند، لشکرخان مقنی که اصالتاً اهل زنجان و معروف به *کهن‌کار* بوده در سال ۱۲۵۰ به خاش رفته و نزد مقنیان یزدی روش کار را فرا گرفته است. افزون بر این، شمار اندکی قنات به شیوه قنات کرمانی دیده شده که *شیخ‌زاده* می‌گوید *غلام محمد نعمت‌الهی*، فرزند *محراب‌خان* - خان جالق - شخصی به‌نام *علی اسدی* نسب *ریگانی* را از *فهرج کرمان* فرا خوانده تا قناتی بسازد. قنات *چگرد* کار این مقنی کار است و پسر او *فهرج*، قنات *کله‌گان* را ساخت. قنات‌های

سراوان بیشتر از نوع ساده هستند که در آن آب از مادرچاه وارد منطقه تره‌کار و سپس خشکه‌کار شده و در آخر از خروجی بیرون می‌زند. افزون بر این نمونه قنات دیگری نیز در سراوان است که در بخشی از مسیر از زیر و روی یکدیگر می‌گذرند و همچون قنات دو طبقه مون/اردستان، آب رشته رویین (بالایی) هیچ تأثیر و نفوذی در رشته زیرین ندارد و هر کدام راه خود را می‌روند. ملک‌زاده آن‌ها را قنات دو طبقه می‌نامد. نمونه آن قنات سرجو و شستون است که در بخشی از مسیر به طول ۵ کیلومتر به شکل دو طبقه هستند و در آن قنات سرجو در پایین و شستون در بالا جای دارد. در جالتی نیز قنات‌های چند طبقه دیده می‌شود «قنات گوگین و خوشاب به طول ۲۵۰۰ متر به موازات هم حرکت می‌کنند که گوگین در بالا و خوشاب در پایین قرار دارد؛ همچنین سه قنات مهران‌آباد، چگرد و تپوک نیز به موازات هم در یک مسیر قرار دارند» (گفتگوی شخصی، ملک‌زاده، ۱۴۰۰).



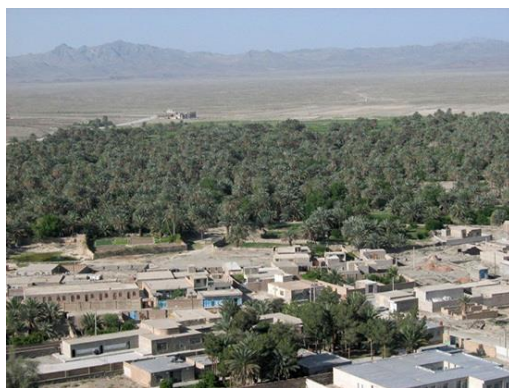
تصویر (۴): خروجی کنونی قنات دژک (نگارندگان)

کاربرد قنات در گذشته و حال در سراوان

قنات را در سراوان کهن می‌گویند که پیشوند نام برخی روستاها چون کهن مراد، کهن کهور، کهن ملأ، کهن میر و... است، در کرمان نیز واژه کهن برای قنات کاربرد دارد و نام برخی آبادی‌ها نیز با پیشوند کهن آغاز می‌شود، مانند کهن محله «رابر دو کاریز - کهن - بزرگ داشته است که زمین‌ها و باغ‌های آن را آبیاری می‌کرده است» (عبدالله گروسی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). دلیل آن می‌تواند این باشد که در گذشته کرمان و سیستان و بلوچستان، یک ایالت بوده و سپس دو استان سوا شدند. بنا بر آمار سال ۱۳۹۸ آب منطقه‌ای استان، سراوان ۳۳۰ رشته قنات دارد که ۱۴۰

رشته آن آبدهی بین ۲ تا ۱۸۰ لیتر بر ثانیه دارند. قنات‌ها از نظر طول، کوتاه و بلند هستند و قنات‌های کوتاه بیشتر در کوهپایه و دامنه‌های پرشیب به‌ویژه دامنه‌های کوه سیاهان و قنات‌های بلند در دشت و زمین‌های کم‌شیب جای دارند. کوتاه‌ترین قنات در سراوان *تقیان* با ۱۰۰ متر طول و بلندترین آن *شهبستان* با ۱۵۰۰۰ متر و *سرجو* با ۱۲۰۰۰ متر است. بیشترین آبدهی را قنات‌های *خوشاب* و *گُوگین*، به ترتیب ۱۸۰ و ۱۶۰ لیتر بر ثانیه دارند و کمترین آن ۲ لیتر بر ثانیه است که در برخی قنات‌ها مانند *مرادآباد* دیده می‌شود. در سراوان قنات کاربردهای متفاوتی چون کشاورزی، شرب و حمام دارد.

کشاورزی: آب قنات و خاک بارور باعث پیشرفت کشاورزی و رشد اجتماعی- اقتصادی منطقه شده است. «در بلوچستان نیز قنات عامل اصلی شکل‌گیری سکونتگاه‌های انسانی به‌شمار می‌آید و کشاورزی وابستگی شدیدی به آن دارد» (بریمانی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸). سراوان دارای فرآورده‌های باغی و کشتزاری بسیار است که تأمین آب آنها وابستگی بسیار به قنات دارد و بر پایه گفته مدیر جهاد کشاورزی استان، حدود ۷۵ درصد زمین‌های کشاورزی سراوان وابسته به قنات است «شهرستان سراوان با تولید ۴۹۳۸۷ تن محصولات باغی و زراعی، ۵۹۹۰ هکتار زمین را زیر کشت دارد که مصرف آب آن ۸۸/۵۷۸ متر مکعب بوده است» (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴). فرآوری برجسته این شهرستان خرماس است که درصد زیادی از آب مصرفی، برای این فرآورده است «کل میزان بهره‌برداری از منابع آب استان ۷۸۰/۵۸۲ میلیون متر مکعب برآورد شده است که بیش از ۴۹ درصد از آن، به تولید محصول خرما اختصاص داده شده است» (همان: ۱۳۷).



تصویر (۵): شهرستان سراوان و باغ‌های خرما

شستشو: در گذشته برای شستشوی لباس و بدن از قنات استفاده می‌کردند و برای این کار نزدیک خروجی، یک چهاردیواری می‌ساختند؛ نمونه به‌جا مانده از آن در دِهک و گُرش دیده می‌شود. در روستای گُرش، اکنون نیز در کنار خروجی قنات، چهاردیواری جدیدی برای مردمی که لوله‌کشی آب ندارند، ساخته شده است. برای حمام کردن روزهایی برای مردان و زنان مشخص می‌کنند و هر کس درون حمام می‌رود، تکه‌ای از لباس خویش را روی دیوار می‌گذارد تا دیگران بدانند کسی درون حمام است. برای شستن لباس، تخته سنگ همواری کنار آب می‌گذاشتند و لباس را به صابون محلی که از تخمیر برگ تازه گیاهی به نام گُوامیچ ساخته می‌شد، آغشته می‌کردند و با شاخه خرما (تَیْتِیک)، بر روی آن می‌زدند تا چرک را از آن بزایند. مراسم به حمام بردن داماد از یادمان‌های دیگر فرهنگ مردم سراوان است و این کار در آبگیر نه چندان گود پس از خروجی قنات، که به محلی گُوالم گفته می‌شود، انجام می‌شد. در روز عروسی، مردان روستا داماد را به گُوالم می‌بردند و او را می‌شستند. گاه شستشو در محلی پشه‌بندمانند انجام می‌شد که با پارچه سفید درست می‌کردند تا داماد، از دید دیگران پنهان بماند. این سنت همراه با ساز و دهل بود و در پایان به بازدیدکنندگان شکلات و شیرینی می‌دادند.



تصویر (۶): حمام قدیمی گُرش، (همان) تصویر (۷): حمام جدید گُرش، (همان)

آسیاب: در گذشته برخی از قنات‌های سراوان دارای آسیاب بوده‌اند؛ در سیستان به‌دلیل بادهای پیوسته، آسیاب بادی (آسیاب) به کار می‌رفت و در سراوان به‌دلیل آب زیاد، آسیاب‌های آبی کاربرد داشتند. نمونه آن آسیاب قنات دِزک بوده که به‌دلیل شکستن سنگ آسیاب آن، به بهره‌برداری نرسید و این سنگ اکنون در موزه سراوان نگهداری می‌شود. آسیاب دیگر روی

قنات گُلان بسته شده بود که تا دوره پهلوی دوم بهره‌برداری می‌شد. این آسیاب پس از آنکه حاج ملا عباس دهوری، اولین آسیاب دیزلی را به سراوان آورد، از رواج افتاد. آسیاب‌های دیگری نیز در پَره‌کنت، گُوگِن و تَسْتون بوده‌اند.



تصویر (۸): سنگ آسیاب دَرگ، (همان)

آیینی: نقش آیینی قنات در جامعه‌شناسی قنات به دلیل اهمیت آن در زندگی مردم آشکار است. سراوانی‌ها مردمی پایبند به باورهای دینی هستند و نماز اول وقت، از واجباتی است که هر کجا باشند آن را به جا می‌آورند. این موضوع در کارایی قنات نیز دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که کنار خروجی هر قنات، مسجدی به نام اضطراری برای دسترسی بی‌درنگ نمازگزاران به آب برای وضو و خواندن نماز ساخته می‌شود. نمونه آنکه اکنون نیز کاربری دارد، مسجد گُلان است. افزون بر این در درون برخی قنات‌ها مکانی حفره‌مانند دیده می‌شود که می‌گویند در گذشته برخی میراب‌ها، دهقانان و دیوان در آنجا به عبادت می‌پرداختند. در نمونه‌ای از آن که در دِهک دیده می‌شود، آیه‌ها یا دعاهای کنده‌شده بر دیواره آن دیده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

از مهمترین دستاوردهای این پژوهش آشنایی با فرهنگ مردم سراوان و نقش قنات در باروری این فرهنگ با ایجاد آیین‌ها و باورهایی است که ویژه قنات است. سراوان با پیشینه تاریخی کهن دارای فرهنگی است آمیخته از واقعیت‌ها، داستان‌ها و استوره‌هایی که نشان‌دهنده هویت این منطقه است. ادوارد بارت تایلور - بنیان‌گذار انسان‌شناسی فرهنگی، فرهنگ را انباشته پیچیده‌ای

از دانستنی‌ها، باورها، هنرها، اخلاق‌ها، قانون‌ها، عادت‌ها، آموخته‌ها و هر گونه توانایی دیگری می‌داند که به وسیله مردم جامعه به دست آمده است. در تعریفی کامل‌تر فرهنگ پیدا کردن راه و روش زندگی و ساختن ابزار لازم برای بهره‌بری بهتر از آن است. «وقتی از فرهنگ گذشته و میراث فرهنگی کشوری سخن می‌گوییم، باید به تعیین دو نقطه بپردازیم. یکی اینکه آن ملت در طی تاریخ، چه راه و رسمی را در زندگی پذیرفته است، دوم اینکه چه آثاری را در جهت گشایش و عمق زندگی به وجود آورده است» (پنجی، ۱۳۸۱). مردم سراوان در گذر تاریخ، افزون بر تأثیر بر فرهنگ مردم دیگر، از آن‌ها اثر نیز گرفته و زندگی بر پایه باورها، سادگی و یکرنگی بنا نهاده‌اند که به سادگی دچار تغییر نخواهد شد. پایبندی به آیین پیشینیان، دلیل برجسته شدن فرهنگ مردم این منطقه است.

زندگی در سراوان بیشتر روستانشینی بوده و آب و هوای گرم و خشک و زندگی سخت، از آن‌ها مردمی بردبار، سخت‌کوش، بی‌باک، سرسخت و انتقام‌جو اما مهربان و مهمان‌نواز ساخته است. «به‌طور کلی بلوچ‌ها مردمی متکبر، شجاع، درستکار و فرمان‌بردارند و همواره در برابر حملات اجانب با رشادت فوق‌العاده‌ای ایستادگی می‌نمایند» (ناصری، ۱۳۵۸: ۱۶). گذران زندگی با شرایط سخت محیطی و اجتماعی آن‌ها را به سوی یاری جستن از نیروهای فرازمینی سوق داده و برای بازسازی گذشته و هر آنچه پاسخی نیافته، دست به ساخت افسانه زده‌اند. از آنجا که گذشته قنات نیز به درستی روشن نیست و چون پذیرش ساخت چنین فن مهندسی به‌دست آدم‌ها برای آن‌ها باورنکردنی است، به داستان‌های ساختگی درباره آن پناه بردند و به گفته سید سجادی «حفر مادرچاه‌ها را در روایت‌های عامیانه به دیوها و موجودات فرانسائی نسبت داده‌اند؛ گویی برای کندن آن چاه‌ها، نیرو و توان محدود بشر بس نبوده است». مردم این سرزمین بر این باورند که ساخت قنات را جنیانی بر عهده داشتند که در خدمت حضرت سلیمان بودند و به فرمان او این کار را انجام دادند «ساختمان کاریزهای بسیاری را به شخصیت‌های افسانه‌ای یا شخصیت‌های حقیقی که زندگیشان با افسانه مخلوط شده است، نسبت داده‌اند» (سید سجادی، ۱۳۶۱: ۲۲). این باور از آنجا ریشه می‌گیرد که ساخت قنات کاری پرزحمت و پیچیده است و در سرزمین‌های کویری تهی از آب، سخت و ناشدنی به نظر می‌رسد. حتی مقنی‌هایی چون حسن‌زهی سیاهانی نیز بر این باورند که قنات را دیوان ساختند و سپس مردم

دیگر از آن‌ها آموختند. می‌گویند برپایی هسته اولیه جامعه امروزی سراوان با قنات بوده، بنابراین دارای جایگاهی بلند با باورها و آیین‌های ویژه‌ای است که بخش ارزنده فرهنگ مردم سراوان به‌شمار می‌آید. در اینجا سعی شده است دو مقوله باورها و آیین‌های مردم سراوان درباره قنات که در زمره ویژگی‌های جامعه‌شناسی تاریخی-فرهنگی سراوان هستند، به بحث گذاشته شود.

باورهای مردم سراوان درباره قنات

باور شکلی از اندیشه است که به شخص می‌قبولاند آنچه در ذهن دارد، درست است. هر چند با گواه‌های تجربی یا خرد سازگار نباشد. باورها ویژگی مهم زندگی انسان هستند که بیشتر ریشه دینی دارند یا متأثر از جغرافیای منطقه هستند، یا منبع آن سیر دگرگونی‌های گذشته است و گروهی از باورها نیز از شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه تأثیر می‌گیرند. باورها به پدیده‌ها روح و هستی می‌بخشند؛ گاه به آن جنسیت می‌دهند و برای آن‌ها زندگی می‌سازند. برای مثال در خراسان جنوبی قنات‌ها نر یا ماده هستند و هرگاه آب قناتی رو به خشکی نهاد، برای آن جشن عروسی می‌گیرند و بر پایه جنسیت قنات، زن یا مردی را به عقد او درمی‌آورند «از جمله این باورها می‌توان به باور نر و ماده بودن آب، برگزاری مراسم عروسی و قربانی کردن برای قنات به‌منظور افزایش میزان آب قنات اشاره کرد» (دادمحمدی، ۱۳۹۴). در سراوان نیز به قنات‌هایی که در یک نقطه یکدیگر را قطع می‌کنند، نر و ماده می‌گویند. برخی باورها در مناطق گوناگون ایران همانند است و نشان از الگوپذیری در ساخت قنات البته با آموزه‌های بومی دارد و این باورها برگرفته از دیدگاه‌ها و افسانه‌های گذشته یک فرهنگ یا دیگر فرهنگ‌ها هستند. برجسته‌ترین بخش فرهنگ سراوان، باورها هستند که دستاورد نگاه آن‌ها از کنش‌های اجتماعی، اقتصادی و به‌ویژه دینی است. برخی از این باورها نوعی خرافه عامیانه به‌شمار می‌آیند، اما چنان با زندگی آن‌ها درآمیخته که بخشی جدایی‌ناپذیر از آن شده است و در بیشتر رویدادهای زندگی نقش دارند. باورهای برجسته عبارت‌اند از: دعاهای قرآنی و حدیث‌ها برای زدایش بلا و بیماری، چشم‌زخم، طلسم، جادو و باور به روح و جن. مهم‌ترین باورهای مردم منطقه درباره قنات عبارت‌اند از:

الف) باورهای اجتماعی قنات

- مقدس بودن آب: کمبود آب باعث شده است تا آب در سراوان جایگاهی مقدس داشته باشد، این تقدس به اندازه‌ای است که مردم منابع آبی خود را دورتر از محل زندگی می‌ساختند تا آلوده نشود. چشمه‌های آبی که از دل زمین می‌جوشند، حکم شفادهنده دارند و از آب آن برای درمان برخی بیماری‌ها به ویژه ناراحتی‌های پوستی و اگر آب آن چشمه گرم باشد، برای بیماری‌های عضلانی بهره می‌گیرند.
- ضرب‌المثل‌ها: بالا بودن ارزش آب، مایه ساخت ضرب‌المثل‌هایی چون آب بگند و پوچان بگش (تا از وجود آب در حمام آگاه نشده‌ای لباس در نیاور، اشاره به چاره‌اندیشی و شتاب نکردن) شده است. «درباره آب، باورهای بسیاری نزد مردم منطقه وجود دارد. از ضرب‌المثل‌ها، اشعار، داستان و باورها، تقسیم‌بندی آن و از همه مهمتر قداست آن به‌ویژه مکان‌هایی که در آن چشمه وجود داشته و مردم آن را تقدیس کرده‌اند» (شیرانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳).
- ابزار پذیرایی: در سراوان هر مهمان که به خانه‌ای وارد می‌شود، اولین وسیله پذیرایی از او، آب است، حتی اگر در آن لحظه مهمان میل به آب نداشته باشد.
- ارزش مالی: «در گذشته واحد پول باارزش منطقه آب بوده و هم‌رده طلا و نقره، به‌عنوان مهریه دختران خود برمی‌گزیدند، همچنین به کسی که دارای بخشی از آب قنات بوده، بُنده می‌گفتند و اگر کسی بُنده نبوده با او معامله نمی‌کردند و حتی حق برگزیدن همسر نیز نداشته است» (گفتگوی شخصی، ملازهی، ۱۳۹۹).
- ارزش دفاعی: ارزش قنات برای آن‌ها از روح و روان و حتی فرزندانشان بالاتر بوده است. در گذشته گاه برای چیرگی بر قبیله‌ای، قنات آن‌ها را از بالادست با سیس (پوسته‌های خشک‌شده تنه خرما)، سنگ و گونی می‌بستند و با این کار قلعه (ستاد حکومتی) آن‌ها را به دست می‌آوردند.

ب) باور افسانه‌ای قنات (ساخت قنات به وسیله جن‌ها)

مردم سراوان جن را باور دارند و او را همچون انسان دارای زن و فرزند و جامعه می‌دانند. باور به جن یک باور نیرومند همراه با ترس و احترام است و همیشه خود را در گزند آسیب‌های او می‌بینند. برای مثال زن زایمان‌کرده یا نوعروس تا ۴۰ روز نباید به تنهایی جایی برود، مبادا جن‌ها

به او آسیب برسانند «بلوچ‌ها و سیاهان در طول حیات خود همواره اسیر پنجه این ارواح بوده گاه زندگی خود را بر سر مبارزه‌ای که با این ارواح دارند از دست داده‌اند» (ریاحی، ۱۳۵۶). این باور چنان در روح و زندگی آنها رخنه کرده که هیچ برهانی را بر رد آن نمی‌پذیرند «اعتقاد بومی به موجودیت این هیولا آن‌چنان است که به‌هیچ روی نمی‌توان در صخره بلند و سخت اعتقاد او شکافی ایجاد نمود» (همان: ۲). جن‌ها دو گونه‌اند: جن‌هایی که آزار می‌رسانند و جن‌هایی که در کارهای سخت چون ساخت قنات کمک می‌کنند. شمار زیادی از مردم بر این باورند که قنات‌های سراوان، در گذشته به فرمان سلیمان و توسط دیوهایش ساخته شده «در بلوچستان اصطلاحی هست که می‌گویند می‌خواهم فلان قنات که سلیمانی است را آباد کنم، یعنی قناتی که از آن سلیمان بوده و هم اکنون مدعی و مالکی ندارد» (زند مقدم، ۱۳۷۰: ۱۱۴). آن‌ها در این باره داستانی نیز دارند. نزدیک به پلیس راه سراوان، کوهی شبیه به میخ است و می‌گویند جن‌ها یک سر ریسمانی را به این کوه بسته و برای سر دیگر آن در بالای کوه تیران گوئمان (رو به روی این کوه) روزنه‌ای ساخته و طناب را به آن بسته‌اند (این روزنه در اثر هوازدگی سنگ آهک درست شده است). می‌گویند جن‌ها این طناب را ساخته بودند تا هنگام استراحت به تاب‌بازی پردازند. اندیشه ساخت قنات به‌دست سلیمان در دیگر شهرهای ایران نیز دیده می‌شود. در جنوب شرقی باغ تاریخی فین کاشان قنات سلیمانیه قرار دارد که چون آب از خروجی آن مانند چشمه می‌جوشد، به آن چشمه سلیمانیه نیز می‌گویند. این قنات در دوره شاه سلیمان صفوی ساخته شده اما در باور مردم سلیمان پیامبر آن را ساخته است. کلاوتر ضرابی در کتاب تاریخ کاشان می‌نویسد: «الله العلم که از شاه سلیمان صفوی باشد یا از جمشید که او را سلیمان خوانند، مثل تخت جمشید فارس که تخت سلیمان می‌نامند». این باور درباره قنات قصبه گناباد نیز دیده می‌شود «سلیمان... به دیوهای خویش دستور داد چاهی حفر کنند و به نقب زدن پردازند» (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۴۸).

آیین‌های مردم سراوان درباره قنات

آیین، عادت‌های متداول و شناخته‌شده در جوامع انسانی است که برای اهداف گوناگون و به‌شکل دسته‌جمعی برگزار می‌شوند. انجام کارهای وابسته به قنات با روش گروهی، به رشد

انبازی در منطقه کمک شایانی کرده است «قنات تنها سرمایه‌ای طبیعی به‌شمار نمی‌رود، بلکه با پرداختن به کارهای قنات در روستا، فضای مشارکت در میان روستاییان تقویت می‌شود» (فداکار داورانی و سام‌آرا، ۱۳۸۹: ۱۶۹). بلوچ‌ها مردمی اجتماعی با حس همیاری شدید در کارها با یکدیگرند و در کمک به هم و نیز دیگر مردم حتی اگر از کیش و آیین آن‌ها نباشند، کوشا هستند. بیشتر این همیاری‌ها به‌شکل آیین درآمد و برخی از مهمترین آیین‌های شناخته‌شده درباره قنات عبارت‌اند از:

الف) تاس و کپل

- تقسیم آب: آرایش ژرف و ریزینی برای تقسیم عادلانه آب قنات میان بهره‌بران است که در گذشته به‌جای ساعت به‌کار می‌رفت. تاس کاسه مسی درجه‌دار با سوراخی در کف بود که آب به اندازه تعیین‌شده درون آن می‌رفت. تاس مادر را به صاحب هنگام یا میراب - بخش‌کننده آب - می‌سپردند و هرگاه تاسی خراب می‌شد، از روی آن یکی دیگر می‌ساختند. هر تاس به ۴ کُوت بخش می‌شده و شامل یک کُوت، نیم کُوت و یک چهارم کُوت یا چارک، نیم و سه‌بُهر می‌شد. سپری شدن یک سوم از طلوع آفتاب را یک تَسو و برآمدن آفتاب تا بالای سر را نیم هنگام یا سا می‌گویند. در بیشتر جاهای سراوان به مدار گردش آبدهی هنگام نیز می‌گویند. زنده‌مقدم در سفر خود به سراوان (بین سال‌های ۴۲ تا ۵۰ خورشیدی) با یکی از بومیان در این‌باره گفتگو می‌کند «پس آب برحسب مدار می‌گشته است در خانواده‌ها؟ بله. یعنی تقسیم آب قنات‌ها، بر اساس مدار رسم بوده است؟ بله، به مدار هنگام هم می‌گفتند» (زنده‌مقدم، ۱۳۸۸: ۷۶). او در ادامه برخی از مدار یا هنگام‌های روستای گُشت و شَسْتون را نام می‌برد «هنگام واجه، هنگام دیوان، هنگام عثمان، هنگام میرین و...، قنات شَسْتون دارای ۳۸ هنگام است و مدار آب یک بار سَر ۹ روز و بار دیگر ۱۰ روز آبیاری می‌شود... هنگام‌های آب شَسْتون سراوان! هنگام قرابیک، هنگام بلوچ جنگیزیان، هنگام بای‌خان بایان و...» (همان: ۷۷). ظرف آبی که تاس در آن جای می‌گرفت کپل نام داشت که سفالی بود و در روستای کلپورگان سراوان ساخته می‌شد. کپل را پر آب می‌کردند و تاس را روی سطح آب می‌گذاشتند. آب به آرامی از سوراخ زیر بالا می‌رفت تا

به درجه تعیین شده برسد. زمانی که پر می‌شد، بی‌درنگ آن را برمی‌داشتند، خالی می‌کردند و دوباره درون کپیل می‌گذاشتند و این کار ادامه می‌یافت تا سهم همه داده شود. وقتی همه سهم‌بران سهم آب خود را دریافت کردند، مانده آب به صاحب هنگام داده می‌شد. در یزد نیز درباره آب مانده همین کار را می‌کنند «میراب‌ها حقوق مشخصی نداشتند و دستمزد خود را از طریق فروش آب اضافی تأمین می‌کرده‌اند» (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۸۸: ۸۶).



تصویر (۹): تاس مسی درجه‌دار، (همان) تصویر (۱۰): کپیل سفالی، (همان)

مدت زمان پر شدن تاس، یک واحد زمانی به شمار می‌آید و بسته به سوراخ کف تاس در جاهای گوناگون سراوان فرق می‌کرد. در دهک گردش آب هفت شبانه‌روز، شامل چهارده هنگام - یک هنگام شب و یک هنگام روز - است. هر هنگام دربرگیرنده ۸۰ تاس است که بر پایه ساعت، ۹ دقیقه می‌شود. در گرشک نوبت آبدهی ۹ شبانه‌روز یا ۱۸ هنگام است و به دلیل ریزتر بودن سوراخ، ۳۰ دقیقه می‌شود. در پره‌کنت، مدار ۸ روزه می‌چرخید (اکنون به دلیل نبود آب کافی ۷۰ روز است). بهره‌بران چگونگی تقسیم آب را روی سنگی کنده‌کاری کرده، در گوشه مسجد نزد خدا به امانت می‌سپردند. این کار باعث می‌شد که کسی جرأت دست‌کاری و ایجاد تغییر در آن را نداشته باشد. در یزد نیز تخته را در مسجد می‌گذاشتند «تخته را معمولاً در مسجد نگهداری می‌کرده‌اند» (پاپلی یزدی و لباف خانیکی، ۱۳۸۸: ۸۵).

- پشتوانه ازدواج: تاس فقط یک ظرف سنجش نبود، بلکه همواره پشتوانه‌ای محکم در زندگی زناشویی مردم سراوان بوده و در گذشته، میان برخی خانواده‌ها رسم این بود که مهریه دختر

را چند تاس آب برمی‌گزیدند؛ تعداد تاس تعیین شده برای این کار به جایگاه اجتماعی آنها بستگی داشت. در سال ۱۴۰۰ خورشیدی ارزش هر تاس آب، ۳۰ میلیون ریال بود و هر سهم‌بری می‌توانست بخش آب خود را با این بها به دیگری واگذار کند.



تصویر (۱۱): نمونه سند ازدواج با مهریه چند تاس آب، (همان)

- مرکز خبررسانی: به مکانی که در آن تاس و کپل (تقسیم آب) انجام می‌شد، گوربند می‌گفتند. در این مکان افزون بر تقسیم آب، مردان دور هم جمع می‌شدند و درباره خبرهای روز روستا یا جاهای دیگر گفتگو می‌کردند و تصمیم‌های مهم برای اموری چون ازدواج، معامله‌های ملکی و آبی و همچنین حل و فصل درگیری‌های خانوادگی یا قومی - قبیله‌ای در این مکان انجام می‌شد.

ب) انبازی اجتماعی

از کارکردهای اجتماعی قنات، لایروبی است که مهم‌ترین بخش نگهداری قنات به‌شمار می‌آید. لایروبی، برداشت گل‌ولای و ته‌نشست‌های درون کوره را گویند که به‌شکل گروهی انجام می‌شود. شمار لایروبی‌ها به جنس زمین و سیلاب‌های هر سال بستگی دارد و به‌طور میانگین، هر رشته

کاریز باید سالی یکبار لایروبی شود. «برای لایروبی همه مردم به کار گرفته می‌شدند؛ هم کسانی که از آب قنات برای کشاورزی استفاده می‌کردند (کَهور) و هم آن‌ها که برای نیازهای روزانه از آن بهره می‌بردند (آپوار)» (گفتگوی شخصی، شیخ‌زاده، ۱۴۰۰). در گذشته کسی به نام پاکار به تمام کارهای قنات رسیدگی می‌کرد، اما زمان لایروبی، کدخدای هر روستا رسیدگی به لایروبی را شخصاً بر عهده می‌گرفت. برخی از قنات‌های سراوان مانند قنات‌های دِهک، کُلان (یعنی حفره که به دلیل بزرگی کوره به آن کُلان می‌گویند)، پَرِه‌کنت، بَنخشان و دِرَک دارای کوره‌های پهنی هستند، به گونه‌ای که به یک تونل زیرزمینی می‌مانند، اما نه یک تونل یک‌دست که در محل‌هایی تنگ‌تر و در جاهایی پهن‌تر شده‌اند. به گفته شیخ‌زاده این کوره‌ها از آغاز پهن کننده شده‌اند، اما بر اثر ریزش به دلیل بارندگی‌ها، سیل‌ها و نیز لایروبی‌های پیوسته پهن‌تر گشته‌اند. این پهنی کوره کار لایروبی را آسان‌تر کرده و گاه می‌شد برای دل‌گرمی کارگران مراسم نوازندگی هم در کوره به راه انداخت «کدخدا جایگاهی چون چادر (لوگ) را کنار خروجی آب می‌بست و تا زمانی که لایروبی به پایان می‌رسید، در لوگ می‌ماند. هر کس به اندازه سهم آبی که داشت، کمک می‌کرد و کدخدا گاه برای انگیزه دادن و سر شوق آوردن کارگران، گروهی نوازنده ساز و دهل را درون قنات می‌فرستاد تا بنوازند» (گفتگوی شخصی، شیخ‌زاده، ۱۴۰۰).



تصویر (۱۲): خروجی کوره قنات دِهک، (همان) تصویر (۱۳): خروجی کوره‌ای دیگر در سراوان، (همان)

ج) قربانی دادن

قربانی دادن از کارهای پسندیده برای مردم سراوان است که مقدس شمرده می‌شود و با نیت خشنودی خداوند و برآورده شدن نیازشان انجام می‌شود. قربانی دادن برای قنات یکی از آیین‌های شناخته‌شده در سراوان است که در سه مرحله روی می‌دهد:

۱- پیش از ساخت قنات، پس از شناسایی محل قنات و پیش از ساخت آن قربانی می‌دهند تا خداوند به آن قنات برکت دهد.

۲- هنگام بهره‌برداری، در طول بهره‌برداری از قنات نیز برای اینکه قناتشان همچنان آبد به باقی بماند، هر چند وقت یک‌بار قربانی می‌دهند.

۳- هنگام کم‌آبی، بیشترین کاربرد قربانی هنگام کم شدن آب قنات است که برای افزایش آب قربانی می‌دهند. هر یک از سهم‌بران به ازای مقدار آبی که سهم آنهاست، مقداری گندم می‌گذارند و آن را به‌عنوان نذر بین مردم پخش می‌کنند و گاه شتر یا گاوی را قربانی می‌کنند و گوشت آن را به نیازمندان می‌دهند.

جمع‌بندی

در این مقاله باورهای اجتماعی وابسته به کاریز مردم سراوان که ذیل جامعه و انسان‌شناسی قرار دارد، بررسی شد و برای این کار نخست به مطالعه زمین‌شناسی منطقه و تأثیر گسل‌ها و شیب در ساخت قنات پرداخته شد. سپس به پژوهش درباره پیشینه قنات‌ها پرداخته شد. مطالعات کتابخانه‌ای نشان داد که قنات در دوره هخامنشی در منطقه بوده و طبق گزارش باستان‌شناسی مهالی مرتضوی و پیدا شدن تکه سفال‌های کهن در روستای دژک و پیرامون قنات قدیمی این روستا، احتمال وجود قنات را به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رساند. قنات در این منطقه کاربردهای مختلفی دارد که با معیشت مردم مرتبط بوده و چنان در زندگی رخنه کرده که باورهایی چون ساخت قنات به‌دست دیوان و آیین‌هایی چون تاس و کپیل شکل گرفته‌اند. از آنجا که بیشتر باورهای مردم درباره قنات، همانند باورهای مردم جاهای دیگر ایران و به‌ویژه استان‌های هم‌مرز است، احتمال می‌رود که الگوی ساخت قنات همراه با باورهای آن به همه جای ایران رفته، اما در هر محل شکل بومی به خود گرفته است. از مهمترین یادگارهای گذشته

درباره قنات و عملکرد اجتماعی آن در سراوان، تاس و گتیل بود که امروزه ساعت به کار می‌رود و کم‌کم رو به فراموشی است. نیاز است این آیین به‌عنوان یک فرهنگ اجتماعی که نقش زیادی در همدلی و همبستگی مردم سراوان داشته، در فهرست میراث ملی به ثبت برسد. به‌کار گرفتن روستاییان در لایروبی، با عنوان شبکه اجتماعی قنات و هم‌انبازی آن‌ها در نگهداری از قنات می‌تواند کمک بزرگی به گسترش پایدار قنات باشد. در این بررسی مشخص شد کوشش کشاورزان در گذشته برای حفظ آبی پایدار با بهره‌گیری از دانش بومی و تجربه گذشتگان برای مثال در لایروبی به‌هنگام و نیز بهره‌گیری از سیلاب‌ها برای تغذیه مصنوعی سفره، بسیار موفق‌تر بوده تا برنامه‌هایی که بعدها دولت‌ها در آن پادرمیانی کردند. تصمیم‌های نادرست نه تنها خشکی بسیاری از قنات‌ها را باعث شده بلکه با خشکی قنات بسیاری از آیین‌ها و سنت‌های وابسته به آن نیز به فراموشی سپرده شده است.

منابع

- آبادیان. نصرالله. اقبالی. ناصر خانلو. نسیم (۱۳۹۴). منابع آب و تأثیر آن در جذب گردشگری (مطالعه موردی: قنات‌های شهر تهران). اکولوژی. ۴ (۳).
- بریمانی. فرامرز سلیقه. محمد. رئیسی. محمد کریم (۱۳۸۴). سیستم آبیاری متأثر از اقلیم در بلوچستان ایران نمونه قنات داری در هیچان. تحقیقات جغرافیایی. ۱.
- پاپلی یزدی. محمدحسین (۱۳۸۲). قنات قصبه گناباد. یک اسطوره: دانشگاه فردوسی.
- و لباف خانیکی. مجید (۱۳۸۸). قنات‌های تفت. معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور. پژوهشکده مردم‌شناسی.
- پنجی. غلامحسین (۱۳۸۱). نقش فرهنگ و ارزش‌ها در اقتدار ملی. مطالعات دفاعی استراتژیک. ۱۳-۱۴.
- جهانتیغ. حسین (۱۳۹۶). مطالعه سازندهای زمین‌شناسی دشت سراوان و اثر آن بر خواص کیفی آب زیرزمینی منطقه.
- حکمت نیا. مهران. حسینی. سید مهدی. صفدری. مهدی (۱۳۹۸). مدیریت منابع آب کشاورزی استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه آب مجازی. مهندسی آبیاری و آب ایران.

- داد محمدی. کبری (۱۳۹۴). تأثیرات قنات بر ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران. دومین همایش ملی آب. انسان و زمین. اصفهان
- ریاحی. علی (۱۳۵۶). زار و بار و بلوچ: کتابخانه طهوری.
- زند مقدم. محمود (۱۳۷۰). حکایت بلوچ: کارون.
- (۱۳۸۸). حکایت بلوچ. جلد پنجم: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سید سجادی. سید منصور (۱۳۶۱). قنات «کاریز»، تاریخچه، ساختمان و چگونگی گسترش آن در جهان. تهران: انجمن فرهنگی ایتالیا.
- شرکت آب منطقه‌ای استان سیستان و بلوچستان (۱۳۹۸). گزارش محدوده‌های مطالعاتی حوزه آبریز ماشکید. زاهدان: شرکت آب منطقه‌ای.
- شرکت مهندسی مشاور ری آب (۱۳۸۸). مطالعات مرحله اول طرح انتقال آب از سد ماشکید سفلی به شهر سیرکان: گزارش زمین‌شناسی. زاهدان: شرکت آب منطقه‌ای.
- شیرانی. مینا. ایزدی جیران. اصغر. اسپونز. برایان و کوهستانی. مریم (۱۳۹۷). بررسی انسان‌شناختی نقوش سفال «کلپورگان» سراوان. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی. ۳۳(۴).
- فداکار داورانی. محمد مهدی. سام آرا. عزت‌الله (۱۳۸۹). نقش قنات در توسعه پایدار روستایی. روستا و توسعه. ۲.
- عبدالله گروسی. عباس (۱۳۸۲). تاریخ آب و آبیاری و زهکشی ایران. کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران. ۷۸.
- مرتضوی. مهدی (۱۳۹۷). گزارش مقدماتی بررسی سیستماتیک و گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه‌های روباهک، دزک، شهرستان سراوان. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- مریدی فریمانی. علی اصغر. دهقانی. سعید (۱۳۹۳). نقش گسل تراستی سراوان در تشکیل و توسعه حوضه آبریز سراوان. جغرافیا و توسعه. ۳۵.
- مؤمنی. مهدی (۱۳۷۸). روش‌های سنتی و مدرن در بهینه‌شدن و بهره‌برداری از قنات‌ها.
- ناصری. عبدالله (۱۳۵۸). فرهنگ مردم بلوچ: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.